

تحولات صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در جرائم علیه امنیت

سیدمحمدرضا موسوی فرد*

محمدرضا طالبی**

چکیده

حق برخورداری افراد از دادگاهی عمومی و تساوی افراد در این خصوص علاوه بر اسناد بین‌المللی از قبیل ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی ایران هم مورد اشاره قرار گرفته است در این نوشتار سعی شده است تا تحولاتی که از زمان تشکیل این نهاد در قوانین به وجود آمده و این مرجع تحت تأثیر آن قرار گرفته را بررسی کرده و میزان توسعه و تحدید صلاحیت این مرجع با توجه به نوع جرائمی که تحت صلاحیت دادگاه قرار گرفته یا می‌گیرند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا مشخص شود این توسعه یا تحدید در ارتباط با چه موضوعاتی بوده و طی این چهار دهه که از حیات این نهاد می‌گذرد رویه قضائی تا چه میزان در ایجاد این تحولات نقش داشته است. علاوه بر مواردی که در بالا مطرح شد بایستی مشخص شود که حقوق دفاعی متهم در پی این تغییر و تحولات از چه تضمیناتی برخوردار شده و در نهایت نیز با توجه به بدیع بودن این نوشتار و این که تاکنون به دادگاه انقلاب از این منظر پرداخته نشده است می‌توان مهم‌ترین دستاورد این تحقیق را در اصلاح قوانین آتی در خصوص دادگاه انقلاب به‌عنوان محکمه‌ای اختصاصی که با توجه به متفاوت بودن جنس جرائم تحت صلاحیت این دادگاه ایجاد شعب تخصصی برای این جرائم و تنظیم مقررات کارآمدتر و پویاتر با استفاده از تجربیات قانونی و قضائی گذشته در این خصوص دانست.

واژگان کلیدی: دادگاه انقلاب، جرائم علیه امنیت، صلاحیت اختصاصی

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۵۷ و متعاقب آن تشکیل دادگاه انقلاب به‌عنوان دادگاهی استثنایی و فوق‌العاده در کنار دادگاه‌های عمومی دادگستری^۱ موجب شد که شورای انقلاب به تصویب اولین مقرر در ارتباط با محکمه انقلاب در خرداد ۵۸ با عنوان آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های انقلاب بپردازد و مشروعیت قانونی را به دادگاه انقلاب اعطا کند. این دادگاه ابتدائاً به صورت موقت و برای رسیدگی فوق‌العاده به جرائم ضدانقلاب تشکیل شده بود؛ اما تحولاتی که در حوزه تقنینی و قضائی به وجود آمد موجب ایجاد صلاحیتی دائمی برای این دادگاه شد، در واقع دادگاهی که وجودش از انقلاب نشئت گرفته بود از این پس وجود و ادامه کار آن با اصل نظام مرتبط گشت. همان‌گونه که از نام این نهاد برمی‌آید این دادگاه جهت رسیدگی به جرائم مرتبط با انقلاب و وقایع قبل و بعد از آن تشکیل گردید، اما رفته‌رفته یک سری جرائم امنیتی، مرتبط با مواد مخدر، قاچاق کالا و ... در صلاحیت این دادگاه اختصاصی قرار گرفت.

باتوجه به اختصاصی‌بودن این دادگاه و لزوم حفظ اصل رسیدگی در محاکم عمومی^۲ که یکی از حقوق متهمان است، لذا بررسی تحولاتی که در حوزه صلاحیت این دادگاه از لحاظ تقنینی و قضائی به وجود آمده است در جهت حفظ منافع اشخاص امری حائز اهمیت است. هرچند در کتب مختلف آیین دادرسی کیفری که توسط اساتید این رشته درآمده است به‌طور کلی به صلاحیت دادگاه^۳ انقلاب به‌عنوان یک مرجع اختصاصی کیفری پرداخته شده است، اما سیر تحول صلاحیت این دادگاه به‌خصوص در مورد جرائم علیه امنیت موضوعی است که مستلزم توجه ویژه‌ای به آن از جهت حفظ منافع حقوق متهم^۴ و حتی جامعه در راستای حق دسترسی به دادگاه‌های عمومی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه حقوق کیفری قرار گرفته است. در این مقاله با در نظر گرفتن قانونگذاری‌های متعددی که در خصوص صلاحیت دادگاه‌های انقلاب به وجود آمده و همچنین تأثیرگذاری رویه

1. General Courts of Justice

2. General Courts

3. Jurisdiction of the Court

4. Defendant's Rights

قضائی^۱ در این خصوص و تعیین حدودمرز دقیق و مشخصی از صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در خصوص جرائم علیه امنیت که معمولاً همواره در تاریخ با برخوردی شدیدتر از سوی حاکمیت مواجه می‌شود می‌پردازیم؛ در این مقاله پژوهشی در پی پاسخگویی به این دو سؤال خواهیم بود:

- ۱- از بدو شکل‌گیری و در طول زمان حیات دادگاه انقلاب به‌عنوان یک مرجع اختصاصی حدود صلاحیت آن به‌طور کلی و به‌ویژه در جرائم علیه امنیت یا توسعه همراه بوده یا این که محدودتر گشته است؟
- ۲- تا چه حدودی ادامه فعالیت این دادگاه پایبند به مبانی وجودی شکل‌گیری آن می‌باشد؟

با عنایت به مراتب فوق، در این نوشتار در پی پاسخ به سؤالات بالا با توجه به آخرین اراده قانونگذار در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خواهیم بود. در خصوص پیشینه مختصر باید گفت: در حقوق ایران رسیدگی به جرائم علیه امنیت^۲ چه در دوران قبل و چه پس از انقلاب به‌طور کلی در صلاحیت محاکم اختصاصی بوده است؛ در سال ۱۳۱۸ شمسی با تصویب قانون دادرسی^۳ و کیفری ارتش، رسیدگی به جرائم علیه امنیت کشور در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار گرفت. اگر سیر تاریخی مصوباتی که صلاحیت دادرسی انقلاب را نسبت به جرائم تعیین می‌کنند مورد مطالعه قرار دهیم درخواست خواهیم یافت که ابتدائاً و در آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب بیشتر جنبه انقلابی^۴ و هیجانی دوران پس از انقلاب مورد توجه بوده و صلاحیت دادگاه انقلاب^۵ متأثر از آن بوده است و به‌صراحت در آن قانون به موقت بودن این محکمه اشاره شده است و امروزه جز چند مورد خاص دیگر اکثر جرائم پیش‌بینی شده در این قانون دیگر احتمال وقوع ندارند از جمله سرکوب مبارزات مردم^۶ علیه رژیم پهلوی که پس از ۴۰ سال دیگر این رژیم وجود خارجی ندارد که مبارزاتی بخواهد علیه آن صورت گیرد که مورد

1. Influence of Judicial Procedure
2. Crimes Against Security
3. Procedural Law
4. Revolutionary Aspect
5. Jurisdiction of the Revolutionary Court
6. Suppression of People's Struggles

سرکوب واقع شود. سابقه دادگاه انقلاب^۱ در ایران به انقلاب سال ۵۷ برمی‌گردد. در واقع این دادگاه زاییده شرایط سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب است. با توجه به جنگ و جدالی که وجود داشت و اوضاع نابسامان، نمی‌شد انتظار داشت که نهادها و مراجع وابسته به نظام قدیم پاسخگوی مناسبات جدید باشد و به‌منظور تحت کنترل گرفتن اوضاع تشکیل چنین محکمه‌ای اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. این دادگاه‌ها نخستین نهادی بود که هم‌زمان با پیروزی انقلاب در اغلب نقاط کشور تشکیل شد.

۱. مفهوم جرائم علیه امنیت

امنیت در لغت از ریشه امن به معنای ایمن شدن و در امان بودن^۲ است. در خصوص امنیت با توجه گسترده‌گی مفهوم آن و این که با دانش‌هایی همچون علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق کیفری در ارتباط است هریک از دیدگاه خود به آن پرداخته‌اند، اما به‌طور کلی نمی‌توان تعریفی از امنیت ارائه داد که جامع‌ومانع باشد به‌عبارت‌دیگر امنیت^۳ مفهومی سیال و در حال گذار است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است؛ به‌طور مثال ممکن است در جامعه‌ای امنیت اقتصادی جنبه پررنگ‌تری داشته باشد و در جامعه دیگر این توجه به نهاد خانواده و جرائم حیثیتی^۴ داده شود.^۵ در واقع منظور از جرائم علیه امنیت جرمی است که به‌طور شدیدتری و یا به‌عبارت‌دیگر مستقیماً با امنیت در ارتباط است به‌طور مثال جرم جاسوسی علیه کشور که تقریباً در اکثر جوامع جز جرائم علیه امنیت تلقی شده است و در طول تاریخ نسبت به جرائمی که علیه کشور یا امنیت رخ می‌داد برخوردهای شدیدی صورت می‌گرفت.^۶

1. Revolutionary Court

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ذیل واژه امنیت.

3. Security

4. Dignity Crimes

۵. کوشکی، غلامحسین، علیزاده سرشت، نادر (۱۳۹۴). نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت

دادگاه انقلاب، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، ص ۱۰۵ و ۱۰۷.

۶. برای مطالعه بیشتر ر.ک. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و

آسایش عمومی، میزان، تهران، چاپ سی و سوم، ۱۳۹۵، ص ۲۲ تا ۳۲.

اصل دیگری که تقریباً در حقوق جزا تثبیت شده است مجازات نکردن اشخاص صرفاً به این خاطر که دارای اندیشه مجرمانه دارند می‌باشد؛ یعنی «مرحله‌ای از رفتار مجرمانه^۱ که نهانی و نفسانی است و تجلی بیرونی پیدا نکرده اصولاً قابل مجازات نیست؛ زیرا انسان هیچ‌گاه قادر نیست بر هر آنچه در ضمیر خود می‌گذرد و تصورات ذهنی او را شکل می‌دهد تسلط کافی پیدا کند و حتی تصمیم قاطع بر ارتکاب جرم نیز از سیطره احکام جزایی عموماً خارج است... فقط استثنائاً در مواردی که از این تصمیم مفسده‌ای عظیم ممکن است متوجه جامعه شود، قانون جزا تصمیم بر ارتکاب جرم را مستوجب عقوبت دانسته است از جمله زمانی که دو یا چند تن اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت کشور مرتکب شوند (ماده ۶۱۰ ق.م.ا تعزیرات)^۲».

اصل برائت از جمله اصول عقلی است که در حقوق جزای مدرن تثبیت شده است؛ اما گاهی در خصوص جرائم امنیتی به دلیل اهمیت و توجهی که در این خصوص وجود دارد از این اصل عدول می‌شود؛ به طور مثال قسمت اخیر ماده ۴۹۹ ق.م.ا تعزیرات که اصل را بر اطلاع شخص عضو از اهداف گروه دانسته و باید خلاف آن باید ثابت شود^۳. ویژگی دیگری که جرائم علیه امنیت را از جرائم عادی متمایز می‌کند برخورد شدیدتر نسبت به این جرائم و محدود بودن برخوردهای ارفاقی آمیز با مرتکبان این جرائم است. برای مثال در بند الف ماده ۴۷ ق.م.ا صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و شروع به آن‌ها را قابل تعلیق و تعویق ندانسته است. همچنین ماده ۷۱ همین قانون مقرر می‌دارد: «اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ممنوع است.» در ماده ۱۰۹ هم این جرائم را مشمول مرور زمان ندانسته است. در قانون آیین دادرسی کیفری هم در این خصوص محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است، از جمله در تبصره اصلاحی ماده ۴۸ آمده است که در صورتی که جرم علیه امنیت باشد و مجازات آن مشمول ماده (۳۰۲) باشد طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری انتخاب بایستی نمایند.

1. Criminal Behavior

۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران، میزان، ص ۳۱۴.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک، میرمحمدصادقی، حسین، پیشین، ص ۳۲ و ۳۳.

۲. مبنای صلاحیت دادگاه اختصاصی^۱ در جرائم علیه امنیت

در مورد جرائم علیه امنیت باید توجه داشت که حاکمیت ملی^۲ همواره مهم‌ترین ارزش برای ملت‌ها بوده و به‌رغم تلاش‌هایی که در دوران معاصر برای ایجاد نوعی فدرالیسم جهانی صورت گرفته، هنوز هم می‌توان گفت این مفهوم یک برج غیرقابل تسخیر و مورد تأکید فراوان ملت‌ها و حکومت‌هاست و هرگونه زیر سؤال بردن حاکمیت و امنیت با عکس‌العمل‌های شدیدی از سوی حکومت‌ها مواجه می‌شود ولی آنچه مهم است تعیین حدود این جرائم مخل امنیت است^۳ «مطابق یک تعریف عینی و بر پایهٔ ضرر حاصل از جرم، جرم علیه امنیت جرمی است که مستقیماً علیه موجودیت حکومت واقع شود.»^۴ با توجه به ارتباط مستقیم آیین دادرسی کیفری با حقوق طبیعی و بنیادین انسان‌ها مانند آزادی تن، امروزه از عینی‌ترین اجزا و عناصر سیاست جنایی کشورهاست. با این وجود، قواعد دادرسی ناظر بر جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری به علت ارتباط نزدیک این جرائم با حاکمیت ملی و نظم عمومی دغدغه قانونگذاران را در زمینهٔ رعایت تضمینات دادرسی از بین برده است. به‌طور کلی می‌توان گفت پس از واقعه ۱۱ سپتامبر در تعارض بین حق و امنیت، چرخش بیشتر به سمت امنیت بوده است.^۵ به‌طور مثال اصل صلاحیت محاکم عمومی هم در این باره نادیده انگاشته شده است و رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاهی اختصاصی با عنوان انقلاب قرار گرفته است. اساساً در حوزهٔ حقوق کیفری به‌طور کلی دو مدل در خصوص برخورد با متهمان وجود دارد، مدل امنیت‌مدار و مدل کرامت‌مدار در مدل امنیت‌گرا اولویت با شهروندان قانون‌مدار^۶ است، اما در مدل کرامت‌مدار، حمایت از حقوق متهمان در

1. Private Court

2. National Sovereignty

۳. محمودی، نورالله، مبانی و نظریات اساسی جرائم علیه امنیت ملی در سطح گسترده و راهبردها و راهکارهای پیشگیری، نشریه دادرسی، فروردین ۱۳۸۸، شماره ۳.

۴. یزدیان جعفری، جعفر، تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت، پژوهش حقوق کیفری، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۵، ص ۶۰.

۵. قدیری بهرام‌آبادی، رشید، تقابل حق و مصلحت (با تأکید بر جرائم تروریستی)، مجله حقوقی دادگستری، شماره نود و هشتم، ۱۳۹۶، ص ۱۵۰.

6. Law-Abiding Citizens

اولویت قرار دارد.^۱ به نظر می‌رسد باتوجه به ویژگی‌هایی که در قانون آ.د.ک برای محاکمه این جرائم در نظر گرفته شده است، از جمله محدودیت‌هایی که وجود دارد اعم از محدودیت انتخاب وکیل، صلاحیت محکمه اختصاصی و... مقنن ایرانی در نظام رسیدگی به جرائم علیه امنیت از مدل امنیت‌گرا^۲ استفاده کرده است. این روی امنیت‌مدار بودن دادرسی در خصوص جرائم علیه امنیت قبل از انقلاب هم در ایران سابقه داشته به طوری که در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش، رسیدگی به جرائم علیه امنیت کشور در صلاحیت دادگاه نظامی قرار گرفت که یک دادگاه اختصاصی به شمار می‌رود. همچنین در سایر کشورها مثلاً در فرانسه هم محکمه خاصی برای امر رسیدگی به این جرائم در نظر گرفته شده است که با تصویب قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۲ میلادی رسیدگی به جرائم علیه امنیت این کشور را در عمل در اختیار دادگاه‌های تخصصی در امور نظامی قرار داده است. با این اوصاف می‌توان گفت که مبنای تحت شمول صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفتن جرائم علیه امنیت یعنی مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ کتاب پنجم ق.م.ا و همچنین عناوینی چون محاربه، افساد فی الارض، بغی و سایر جرائم مشمول بند الف و ب ماده ۳۰۳ در رویکرد امنیت‌گرایی قانونگذار در برخورد با مجرمان است.

۳. حدود صلاحیت دادگاه انقلاب در جرائم علیه امنیت در قانون آیین دادرسی

کیفری مصوب ۱۳۹۲

قانونگذار از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی تعریف مشخصی را ارائه نداده است و به‌طور کلی عنوان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی استفاده کرده است. همواره یکی از ایراداتی که در قانون‌نگاری مطرح می‌شود، عدم شفافیت قانون در بیان مصادیق است. به‌ویژه در حقوق کیفری که با آزادی‌های اشخاص در ارتباط است این ایراد و نقیصه بیشتر نمایان می‌شود. همان‌طور که گفته شد همه جرائم، میزانی از امنیت را سلب می‌کنند، اما برای این که مشخص شود چه جرم یا جرائمی مدنظر مقنن بوده تا مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب شود ضابطه خاصی وجود ندارد برخی

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره امنیت شناسی، از حق بر امنیت تا حق بر تأمین، دیپاچه مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، سودابه رضوانی، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱.

معتقدند برای شناسایی جرائم علیه امنیت بایستی به متون قوانین رجوع کرد تا مشخص شود قانونگذار چه جرائمی را علیه امنیت داخلی و خارجی معرفی کرده است. زمانی که به قانون مجازات اسلامی و به بخش تعزیرات مراجعه می‌کنیم مشخص می‌شود که در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانونگذار فصلی را تحت عنوان جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی قرار داده است.^۱ اگرچه مصادیق جرائم علیه امنیت منحصر به این موارد نیست.

۴. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته را نمی‌توان منحصر در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ دانست. در تائید این نظر می‌توان به بند الف ماده ۳۰۳ اشاره کرد که پس از ذکر جرائم علیه امنیت داخلی^۲ و خارجی به تصریح جرائم محاربه، افساد فی الارض و بغی و اقدام مسلحانه و احراق و تخریب و اتلاف اموال عمومی^۳ به قصد مقابله با نظام^۴ پرداخت که خارج از مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ است و در صورت عدم ذکر این موارد در تحت شمول صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفتن این جرائم با اختلاف نظرهایی در عمل روبه‌رو می‌شدیم؛ اما آنچه در رویه به آن عمل می‌شود مفهوم گسترده‌تری از جرائم علیه امنیت مدنظر قضات قرار می‌گیرد به‌طور مثال می‌توان به آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور شماره ۵۲۱ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ و ۵۴۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۴ در این باره اشاره کرد. همچنین (شورای عالی قضائی در بخشنامه شماره ۱۴/۶۴ ب و ش مورخ ۲۶ آذر ۱۳۶۴ اعلام داشت: «مراجع قضائی عمومی که صلاحیت رسیدگی به جرائم عمومی را دارند، در هر مورد که ارتکاب رشاء و ارتشاء و اختلاس، جرائم علیه اموال و حقوق عمومی، جرائم علیه عفت و عصمت عمومی، فحشا و منکرات در رفتارهای میتدل‌گرایانه در پوشش و آرایش و دیگر جرائم عنواناً برای برهم‌زدن امنیت سیاسی و اقتصادی کشور یا غارت بیت‌المال به نظر رسد، پرونده را برای رسیدگی قانونی به استناد ماده‌واحد قانون حدود صلاحیت دادگاه‌ها

۱. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، شهردانش، چاپ بیست و هفتم، ص ۶۷.

2. Crimes Against Internal Security

3. Loss of Public Property

4. Intention to Confront the System

و دادسراهای انقلاب حسب مورد به دادسرا یا دادگاه انقلاب محل ارسال نماید.^۱) در حال حاضر به نظر می‌رسد بهترین ضابطه در این خصوص را می‌توان همان ضابطه قانونی دانست تا زمانی که بین محاکم یک‌رویه واحد در این خصوص به وجود آید؛ و اعمال ضابطه عرفی و تفسیر مشخصی در این خصوص صرفاً باعث تشتت آرا می‌شود. هرچند برخی نویسندگان بر این باورند که به موجب ماده ۸ قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴ که اشعار داشته است: «رسیدگی به جرائم مندرج در این قانون منحصراً در صلاحیت مراجع قضائی پایتخت است.» و با توجه به این که به نظر می‌رسد اخلال در امنیت پرواز مصداق جرائم علیه امنیت داخلی است لذا دادگاه انقلاب تهران صالح به رسیدگی جرائم است؛ اما در ایراد به این نظر می‌توان گفت که باتوجه به محدودبودن صلاحیت دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب و لزوم تفسیر مضیق در این مورد و این که تصریحی در قانون مذکور مبنی بر صلاحیت دادگاه‌های انقلاب وجود ندارد باید به اصل اولیه یعنی صلاحیت مراجع عمومی برگشت. اگر این رفتارها مشمول محاربه یا افساد فی‌الارض باشد بدیهی است که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می‌گیرد.

۵. محاربه، افساد فی‌الارض و بغی

همان‌گونه که بیان شد تمامی مصدق جرائم علیه امنیت در قانون تعزیرات پیش‌بینی نشده است و در این که جرم محاربه و افساد فی‌الارض یکی از جرائم علیه امنیت محسوب می‌شود اختلاف نظر زیادی وجود دارد، اما از آنجاکه در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی این جرائم ذکر نشده بنابراین به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. محاربه و افساد فی‌الارض وجه اشتراک بسیار نزدیکی دارند، به‌طوری‌که برخی از علما و فقها آن دو را مترادف هم دانسته‌اند. لیکن به‌رغم وجوه اشتراک، با یکدیگر متفاوت هستند. اگرچه در عمل، تفکیک بین محاربه و افساد فی‌الارض و تمیز این دو از یکدیگر مشکل است ولی نسبت بین آن‌ها، نسبت عموم و خصوص مطلق است، یعنی هر محاربه‌ای افساد فی‌الارض نیز محسوب می‌گردد،

۱. جانی‌پور، علی، دادگاه‌های کیفری اختصاصی، شهردانش، چاپ اول، ص ۲۵.

اما هر افسادی محاربه محسوب نمی‌شود. بغی یا قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی و یا امام عادل، از مصادیق بارز محاربه می‌باشد که به دلیل روایات وارده در خصوص آن به‌طور مستقل مور بحث علما و فقها قرار گرفته است.^۱ «محاربه عبارت است از برهنه‌نمودن سلاح (بیرون کشیدن آن) یا مجهز و آماده کردن آن به‌منظور ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت و سلب آسایش و امنیت عمومی یا قصد ایجاد فساد در زمین از طریق غارت مال با قهر و غلبه، اعم از این که در خشکی باشد یا در آب یا در هوا، در شب باشد یا روز، فاعل آن مرد باشد یا زن، در شهر باشد یا در روستا، از اهل ریه باشد یا نه.^۲» در خصوص جرم محاربه و افساد فی‌الارض تا قبل از تصویب ق.م.ا ۹۲ اختلاف نظر وجود داشت که آیا دو جرم مستقل هستند یا هر دو عنوان بر یک رفتار و جرم صادق است.^۳ قانونگذار در ماده ۲۷۹ جرم محاربه را پیش‌بینی کرده است که عبارت است از: «ماده ۲۷۹- محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به‌قصد جان، مال یا ناموس مردم و یا ارباب آن‌ها است، به‌نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه...» اما مصداق جرم محاربه در قوانین کشور ما صرفاً به این ماده محدود نمی‌شود بلکه در قوانین خاص و حتی همین قانون مجازات اسلامی رفتارهای زیادی یا در حکم محاربه‌اند یا محاربه شناخته شدند که قانون‌گذار معیار مشخص و ثابتی برای محاربه شناختن افراد قانون تعیین نکرده است اما برای رسیدگی به آن جرائم هم در صورتی که در صلاحیت دادگاه نظامی یا دادگاه ویژه روحانیت نباشد، دادگاه انقلاب به آن رسیدگی می‌کند. در برخی مواد به ضابطه ذهنی توجه داشته و در برخی دیگر از رفتارها ضابطه عینی مدنظر وی بوده است. در این خصوص می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ماده ۲۸۱ ق.م.ا، ماده ۶۵۳، ماده ۵۰۴، ماده ۵۰۸ کتاب پنجم ق.م.ا تعزیرات و همچنین قوانین خاصی مثل تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان و... قانونی که بیش از همه به محاربه و افساد فی‌الارض اشاره کرده، درحالی‌که برخی از جرائم

۱. گلدوست جویباری، رجب، جرائم علیه امنیت کشور «بررسی فقهی و حقوقی محاربه و جرائم مشابه» چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۵۱ الی ۵۳. برای دیدن نظر مخالف ن.ک میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، پیشین، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک، میرمحمدصادقی، حسین، جزای اختصاصی (۳)، پیشین، ص ۵۹.

مورد اشاره آن هیچ ارتباطی به دست به اسلحه بردن ندارد، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، می‌باشد. مطابق این قانون اعمالی از جمله موارد زیر می‌توانند با وجود شرایطی محاربه محسوب شوند: برنامه‌ریزی یا تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه؛ پناه دادن جاسوسان^۱ و...^۲ به‌طور کلی می‌توان گفت که پس از تصویب ق.م.ا. ۹۲ مصادیق جرم محاربه از این جهت که تبدیل به یک جرم مقید شد کاهش یافت اما با توجه به تصویب قوانین متعددی که برخی رفتارها را در حکم محاربه دانستند در خصوص جرم افساد فی الارض که به‌عنوان جرمی مستقل از جرم محاربه شناخته شد و از عبارات مبهم و تفسیربرداری نظیر در حد وسیع، به‌طور گسترده و... استفاده شده که به نظر می‌رسد در عمل و تعیین مصداق موجب توسعه صلاحیت دادگاه انقلاب می‌شود. در خصوص افساد فی الارض تا قبل از تصویب ق.م.ا. ۹۲ نص صریحی وجود نداشت، اما ماده ۲۸۶ این قانون به ذکر این جرم پرداخت. «افساد شامل هر نوع معصیتی می‌گردد، چه از درجه صغیره باشد یا کبیره اما منظور از افساد روی زمین موارد خاصی از فساد است نه مطلق فساد، اگرچه با توجه به کلی بودن تعریف افساد، تعیین مصادیق آن در عمل مشکل خواهد شد اما می‌توان گفت که ... مصادیق آن عبارت خواهند بود از وضع قوانین فاسده (خلاف شرع)^۳ مثل فرمان کشف حجاب^۴ و اشاعه امور جنسی و بی‌عفتی و منکرات و ترویج باطل و توزیع مواد مخدر و... و بر این عناوین عنوان محاربه صدق نمی‌کند چون اخافه^۵ مردم به وسیله سلاح بر این امور منطبق نیست» همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیان مصادیقی کلی بدون تعریف خاصی از جرائم مورد اشاره در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی^۶ ممکن است باعث تشتت آرا در محاکم در خصوص جرائم مختلف تصریح شده در این ماده بشود که مستلزم تعریف دقیق قانون‌گذار از مصادیق مذکور در ماده است. رسیدگی به این جرم و سایر جرائمی که در حکم افساد فی الارض

1. Sheltering Spies

۲. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، پیشین، ص ۶۱.

3. Contrary to Sharia

4. Hijab Discovery Order

۵. گلدوست جویباری، رجب، جرائم علیه امنیت کشور، پیشین، ص ۴۹.

6. Islamic Penal Code

هستند یا قانونگذار آن‌ها را مفسد دانسته نظیر ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری در صلاحیت دادگاه انقلاب است. در حالی که دو عنوان محاربه و بغی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، به نوعی با یکدیگر خلط شده بودند در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این دو عنوان از هم تفکیک شدند. توضیح آنکه قانون اخیرالذکر، مرتکبان جرائم مذکور در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور یا ارائه امکانات مالی مؤثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا مربوط بود، مجازات محاربه پیش‌بینی می‌کرد، در حالی که این اعمال، به دلیل این‌که علیه حکومت انجام می‌شوند، با عناوین مجرمانه بغی سازگارترند. این تفکیک از آن‌رو که جرم محاربه یک جرم علیه امنیت و جرم بغی یک جرم علیه حکومت می‌باشد قابل توجیه به نظر می‌رسد.^۱ حتی درباره جرم بغی معتقدند که این جرم از نظر ماهیت یک نوع جرم سیاسی است.^۲ هرچند در خصوص مجازات سیاسی به حساب آمدن حدود اختلاف نظر وجود دارد اما در قانون جرم سیاسی نظری پذیرفته شده که صرفاً برخی جرائم تعزیری مشمول جرم سیاسی^۳ می‌شوند.^۴ در مورد جرم بغی با توجه به

۱. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، پیشین، ص ۶۵ و ۶۶.

۲. محمدحسن مرعشی، «جرم سیاسی در حقوق اسلامی»، روزنامه رسالت، مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۸. به نقل از همان.

۳. با توجه به حساسیت‌هایی که در خصوص (حتی) تعریف جرم سیاسی و تفکیک آن با دیگر جرائم امنیتی وجود دارد، عملاً تعیین مصادیق جرم سیاسی و... یکی از مباحثی بوده است که از دیرباز محل نزاع تئوریک بوده است، با توجه به رویکردهای تأویل‌گرایی که در علوم انسانی تعریف شده است؛ در برخی از مواقع باید ارجاع بازخوانش و فهمیدن و حتی تفکیک را به مخاطب سپرد، این امر از لحاظ کاربردی می‌تواند ما را به سوی این نکته رهنمون سازد؛ که تعریف ضابطه‌های دقیق، مصادیق شفاف و حتی آیین دادرسی خاص برای این نوع از مجرمان این جرائم با رعایت مسائلی همچون حضور هیئت منصفه و امثالهم لازم و ضروری بوده در نتیجه باعث می‌شود دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی قضائی بدین جرائم بر اساس معیارهای اصلی حقوقی همانند (عدالت، انصاف، وجدان قضائی، اصول دادرسی منصفانه و...) تطابقت بیشتری دارد، دقت نمایند. جهت مطالعه بیشتر توجه کنید به: موسوی‌فرد، سیدمحمدرضا و شمس‌زاد، زهر، ۱۳۹۹، رویکردهای هرمنوتیکی از تفسیر جرم سیاسی در در حقوق ایران و برخی کشورها، چاپ شده در مجموعه مقالات ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت، <https://civilica.com/doc/1234043>

۴. برای دیدن نظری که می‌توان حدود را مشمول جرم سیاسی دانست ن. ک. به: نوبهار، رحیم، جرم سیاسی و تقسیم‌بندی حد - تعزیر، مجله‌ی پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۳، نیم سال اول، ۱۳۹۳.

این که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ذیل جرم محاربه پیش‌بینی شده بود در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ مورد تصریح قرار نگرفته بود اما پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و پیش‌بینی این جرم به صورت جداگانه در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در بند الف به علاوه افساد فی الارض و محاربه مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. همچنین در خصوص جرم بغی هم با توجه به این که جرم مستقل شناخته شده است، موجب توسعه صلاحیت^۱ شده است؛ بنابراین به طور کلی آنچه تا اینجا بدیهی به نظر می‌رسد توسعه صلاحیت دادگاه انقلاب به عنوان دادگاهی اختصاصی است.

۶. تبانی، اجتماع علیه ج. ا. ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و...

به قصد مقابله با نظام

تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت، به رغم این که به ارتکاب جرم نینجامیده است، خود می‌تواند یک جرم علیه امنیت محسوب می‌شود. همچنین منظور از تبانی توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم است.^۲ در خصوص اجتماع و تبانی بایستی به ماده ۶۱۰ ق.م.ا کتاب پنجم تعزیرات اشاره کرد که مصداقی از جرم علیه امنیت می‌باشد. شروع به جرم تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان با تفسیر موسع در صلاحیت دادگاه انقلاب دانست و باید در این مورد به اصل حداقلی صلاحیت این دادگاه اکتفا کرد. در خصوص معاونت در تبانی هم می‌توان گفت که مطابق ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاهی که متهم اصلی محاکمه می‌شود بایستی به اتهام معاون و مباشر جرم نیز رسیدگی کند. با توجه به این که در تحقق جرم تبانی حداقل بایستی دو نفر توافق نمایند بنابراین به اتهام همه اطراف در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود. در خصوص اقدام مسلحانه^۳ استفاده از سلاح برای مقابله با نظام گفتنی است^۴، هر چند شباهت با جرم بغی دارد اما با توجه به این که جرم بغی باید به صورت گروهی ارتکاب یابد

1. Competency Development

۲. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، پیشین، ص ۲۴۵.

3. Armed Action

۴. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، پیشین، ص ۶۸.

نمی‌توان کسی را که به صورت انفرادی مرتکب چنین رفتاری می‌شود را به موجب آن جرم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب بدانیم، اما در هر حال در قوانین کیفری جرمی در خصوص اقدام مسلحانه^۱ به قصد مقابله با نظام به طور خاص پیش‌بینی نشده است که این پیش‌بینی مخالف با اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد. در خصوص احراق، تخریب و اتلاف اموال نیز با توجه به قید «به قصد مقابله با نظام» در قسمت آخر بند الف ماده ۳۰۳ که به همه عناوین اقدام مسلحانه، احراق، تخریب و اتلاف اموال^۲ بازمی‌گردد و همچنین با توجه به تبصره ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات ۷۵ یا تبصره ۱ ماده ۶۸۷ همان قانون نوعی محاربه محسوب می‌شود. در خصوص ماده ۶۷۵ می‌توان گفت که با توجه به این که مقنن برای این جرم حبس دو تا پنج سال را در نظر گرفته است که حبس تعزیری درجه پنج محسوب می‌شود که در صلاحیت دادگاه عمومی^۳ است اما هرگاه ضابطه ذهنی قصد مقابله با حکومت وجود داشته باشد در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد که با تعدد قاضی صورت می‌گیرد که مجازات محارب را خواهد داشت؛ یعنی حتی اگر در بند الف به این موضوع اشاره نشده بود مطابق قسمت اول همین بند این رفتار محاربه شناخته شده و در صلاحیت دادگاه انقلاب بود.

۷. توهین به مقام رهبری

جرم توهین به مقام رهبری در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ مورد پیش‌بینی قرار نگرفته بود^۴ اما در ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته بود در حالی که هنوز قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ تصویب نشده بود. در ماده ۵۱۴ قانون تعزیرات سال ۷۵ به جرم توهین علیه مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبری جامعه پرداخته است و

۱. هر چند در ماده ۲۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مرتکب جرم اقدام مسلحانه را محارب دانسته است. ماده ۲۲- «هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب محسوب می‌شود.» اما با توجه به اینکه جرائم نیروهای مسلح در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود از صلاحیت دادگاه انقلاب خارج می‌باشد.»

2. Loss of Property

3. Jurisdiction of the General Court

۴. میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، پیشین، ص ۱۸۴.

شرطی مبنی بر این که این توهین در حال انجام‌وظیفه یا به سبب انجام‌وظیفه باشد در این ماده پیش‌بینی نشده است. همچنین این جرم از زمره جرائم با ماهیت عمومی است و غیرقابل گذشت می‌باشد. قبل از این هم بند ۲ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ این جرائم را مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته بود و با توجه به استثنایبودن صلاحیت دادگاه انقلاب و لزوم تفسیر مضیق در این مورد بایستی قائل به صلاحیت حداقلی این مرجع بود و برخلاف برخی که معتقدند افترا به رهبری یا بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره توهین قرار می‌گیرد^۱ بایستی در این موارد به صلاحیت عام دادگاه‌ها رجوع کرد و دادگاه کیفری را صالح به رسیدگی دانست. تا قبل از تصویب ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب^۲ نص صریحی مبنی بر صلاحیت دادگاه انقلاب نسبت به این جرائم وجود نداشته است که می‌توان به‌نوعی سیر توسعه صلاحیت دادگاه انقلاب را در این مورد از سال ۷۳ مشاهده کرد که حتی با تصویب قانون آ.د.ک ۹۲ همچنان این جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب باقی ماند. در اینجا لازم است درباره جرم توهین به مقام رهبری یا امام خمینی (ره) نیز که از زمره جرائم علیه امنیت محسوب شده است گفته شود که در صورتی که این توهین از طریق مطبوعات یا انتشار در فضای مجازی توسط نشریات الکترونیکی یا خبرگزاری‌های اینترنتی داخلی دارای مجوز باشد، جرم مطبوعاتی محسوب شده و به‌موجب ماده ۳۰۵ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مرتکب اساساً به‌صورت علنی و با حضور هیئت‌منصفه بایستی در دادگاه کیفری ۱ مرکز استان محل وقوع جرم محاکمه شود.^۳

۸. تأثیر رویه قضائی بر حدود صلاحیت دادگاه انقلاب در جرائم علیه امنیت

رویه قضائی نیز در تعیین حدود صلاحیت دادگاه‌های انقلاب نقش فعالی داشته به‌طوری که دیوان عالی کشور در آرای وحدت رویه‌ای در این خصوص ایجاد رویه نمودند بدین شرح که در رأی شماره ۵۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که در خصوص جرائم علیه امنیت است که بیان می‌دارد: «جرائم اعلام‌شده عنواناً در

۱. شکاری، علی، بررسی تحلیلی صلاحیت کیفری دادگاه انقلاب، پیشین، ص ۸۸.

2. Law on the Establishment of Public and Revolutionary Courts

۳. همان، ص ۶۵.

ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران موضوع بند ۱ ماده واحد قانون حدود و صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۶۲ می‌باشد که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادرای انقلاب است بنابراین رأی شماره ۰/۸۲۳ ت ۶۴/۴/۲۹ شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحد رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در مورد مشابه لازم‌الاتباع است.^۱ منظور از جرائم اعلام شده در این رأی عبارت است از تشکیل جلسات علیه سپاه و ایجاد رعب و وحشت و قتل و غارت و توهین به مقامات قضائی^۱ و اداری و تشدید خرافات و بدعت‌گزاری در دین اسلام که در سال ۱۳۶۷ طبق این رأی در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته است استدلال دادستان دیوان بدین شرح بود که: «این قبیل جرائم اقدام علیه امنیت داخلی کشور است و رسیدگی به آن به استناد بند ۱ قانون حدود صلاحیت دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب مصوب اردیبهشت ۱۳۶۲ در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است.» همان‌طور که ملاحظه می‌گردد هیئت عمومی دیوان عالی کشور به‌طور مطلق به صلاحیت دادگاه انقلاب رأی داده است اما برخی مصادیق آن نظیر توهین به مقامات قضائی و اداری را می‌شد با تفسیری منطقی‌تر از صلاحیت دادگاه‌های انقلاب خارج دانست در هر حال برای این که نتیجه‌ای منطقی از این رأی به دست آید باید گفت که توهین به مقامات قضائی و اداری یا هر یک از مصادیق دیگر در این رأی در صورتی در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می‌گرفت که در حد جرم علیه امنیت تلقی شود یعنی با این قصد و به همین نتیجه نیز برسد. آنچه از این رأی وحدت رویه برداشت می‌شود، تعیین مصادیقی است که موجب توسعه صلاحیت دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب می‌شود. در واقع هیئت عمومی دیوان عالی کشور^۲ در مقام حل اختلاف موجب توسعه صلاحیت این دادگاه شده است که در این رأی برخی از رفتارها به‌عنوان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی شناخته شده‌اند که می‌بایست در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار بگیرند. رأی دیگری که از دیوان در این باره صادر شد، رأی شماره ۵۴۱ می‌باشد

1. Judicial Authorities

2. Supreme Court

بدین شرح که: ورود دسته‌جمعی و مسلح به عنف در موقع شب^۱ به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارباب و وحشت از جرائمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌سازد و رسیدگی آن بر طبق بند یک ماده‌واحد قانون مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۲ در صلاحیت دادرها و دادگاه انقلاب اسلامی است بنابراین رأی شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. در خصوص این رأی نماینده دادستان این‌گونه اظهارنظر کرده بود که: «نظر به این‌که اقداماتی که وسیله متهمان انجام‌شده موجب سلب امنیت مردم و ایجاد رعب و وحشت^۲ شده، لذا با توجه به ماده ۱۹۷ قانون حدود و قصاص و بند ۱ ماده‌واحد قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب رسیدگی به این اتهامات در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است.» در واقع استدلال هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نماینده دادستان دیوان بر این پایه استوار است که اقدام به سرقت مسلحانه در شب در پوشش مأمورین نیروی انتظامی و سپاه و بسیج صورت می‌گیرد و موجب رعب و وحشت می‌شود مصداقی از محاربه دانسته شده است که موجب تشویش و نگرانی اذهان عمومی می‌شده است. مصادیق این جرم را می‌توان در کتاب پنجم ق.م.ا (تعزیرات) مواد ۶۵۴، ۶۵۱ یافت؛ اما با توجه به این‌که در قانون حدود صلاحیت دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب ۱۳۶۲ و همچنین قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ تصریحی نسبت به صلاحیت این مرجع در خصوص این جرائم وجود نداشت صدور این رأی از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور بازمه موجب توسعه صلاحیت این دادگاه شده بود؛ و با توجه به این‌که آرای وحدت رویه در حکم قانون‌اند و به‌موجب ماده ۴۷۳ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ که اشعار

۱. جرم مورد اشاره در این رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور را می‌توان مصداق ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات دانست. «در مرد مرجع صالح برای رسیدگی به سرقت‌هایی از قبیل آنچه که قانون‌گذار در ماده ۶۵۴ فوق‌الاشعار ذکر کرده است، دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه‌ی شماره ۵۴۱ خود اشعار می‌دارد...» میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی؛ جرائم علیه اموال و مالکیت، میزان، چاپ پنجاه و یکم، ۱۳۹۶، ص ۳۶۴.

می‌دارد: «آرا وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده (۴۷۱) این قانون صادر می‌شود قابل تغییر است.» اما از آنجا که در قانون یا رأی دیگری این رأی را تغییر نداده است همچنان مجری می‌باشد. رأی وحدت رویه‌ی شماره ۵۷۱ دیگری که می‌تواند حائز اهمیت باشد در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱ صادر شد در خصوص تشکیل یا رهبری شبکه ارتشاء بدین شرح که: «جرم ارتشاء که مجازات آن در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب پانزدهم آذرماه ۱۳۶۷ و تبصره‌های مربوطه به تناسب قیمت مال یا وجه مأخوذ معین شده از جرائم عمومی می‌باشد و رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری است. ماده ۴ این قانون ناظر به تشدید مجازات کسانی می‌باشد که با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری به امر ارتشاء مبادرت نمایند و تشدید مجازات تأثیری در صلاحیت دادگاه‌های عمومی ندارد اما چنانچه دادگاه تشخیص دهد که تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری برای اخلال در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد مورد مشمول ذیل ماده مرقوم می‌گردد و رسیدگی با دادگاه‌های انقلاب اسلامی خواهد بود...» در این رأی وحدت رویه نمی‌توان توسعه صلاحیت دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب را مشاهده کرد بلکه صرفاً مواردی از ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری را در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته که برای اخلال در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. نکته‌ی دیگری که از این رأی وحدت رویه می‌توان استنباط کرد این است که ویژگی خاص در جرم ارتشاء وجود ندارد که این رأی را منحصر به این جرم دانست بلکه در خصوص سایر جرائم نیز که در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری آمده نیز این رأی مجری خواهد بود. به‌طور کلی با بررسی و تحلیلی که از این سیر قانونگذاری و تحولاتی که در حوزه جرائم علیه امنیت به چشم می‌خورد به نظر می‌رسد که در طول این چهل سال قانونگذار به دنبال ایجاد یک ثبات در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب نسبت به جرائم علیه امنیت بوده است اما آنچه عملاً رخ داده است منجر به توسعه صلاحیت در خصوص جرائم علیه امنیت شده است هر چند در برخی موارد منتهی به حذف جرائمی شد که دیگر موضوعیت برای تحقق ندارند، نظیر بند ۴ ماده واحده سال ۶۲ «قتل و کشتار و حبس

و شکنجه به‌منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت» به‌نحوی که از سال ۶۲ و با تصویب قانون حدود صلاحیت دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب، عناوینی چون سوء‌قصد به مقامات سیاسی و همچنین عنوان مبهم ترور به‌قصد مقابله با نظام در ماده ۵ در ماده ۳۰۳ حذف شدند و سعی شده که یک سری جرائم که دارای خصیصه امنیتی و مربوط به اصل نظام می‌باشند در صلاحیت این دادگاه باقی بمانند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اختصاصی بودن دادگاه انقلاب و بررسی آن از حیث تحولاتی که در زمینه صلاحیت و تشکیلات این دادگاه و دادرها در ابعاد تقنینی و قضائی صورت گرفت از آن جهت اهمیت داشت که دریافتیم این مرجع در برهه‌ای از زمان پا به عرصه وجود گذاشت که حاکمیت به‌طور کامل مستقر نشده بود و جامعه دچار التهاب پس از انقلاب بود و برای ایجاد ثبات و برقراری حاکمیت جدید محکمه‌ای فوری به نام انقلاب از همان روزهای نخستین بدون مصوبه‌ای قانونی شکل گرفت اما به‌تدریج و با آرام‌شدن التهابات و در پی ایرادات حقوق‌دانان، شورای انقلاب به تصویب آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب پرداخت این مقرر هرچند چارچوبی قانونی به این محکمه اعطا کرده بود شورای انقلاب که در آن زمان مرجع قانونگذاری محسوب می‌شد، قانون حدود صلاحیت دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب در سال ۱۳۶۲ به‌منظور صلاحیت دائمی بخشیدن به دادگاه‌های انقلاب و محدود کردن صلاحیت آن به برخی جرائم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هرچند این ماده‌واحد برای محدود کردن صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب تصویب شده بود اما در عمل توسعه صلاحیت این دادگاه را در پی داشت. بدین ترتیب که برای نخستین بار تمامی جرائم مرتبط با مواد مخدر و همچنین تمامی جرائم مرتبط با قاچاق در صلاحیت این دادگاه قرار گرفت که به‌طور محسوسی منتهی به توسعه صلاحیت این دادگاه می‌شد و علاوه بر این تصریح به کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی‌الارض در بند ۱ این ماده‌واحد نیز دایره شمول صلاحیت این دادگاه را توسعه داده و استفاده از این عبارات مبهم در قانون‌نویسی مخصوصاً در مورد محاکم اختصاصی که با حقوق اولیه اشخاص یعنی حق محاکمه در یک مرجع عمومی در تضاد است

قابل توجیه به نظر نمی‌رسد و جا برای تفاسیر گوناگون توسط قضات و ایجاد اختلاف بین محاکم باز می‌کند. در سال ۱۳۷۳ و با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مهم‌ترین تغییراتی که در خصوص محکمه انقلاب رخ داد از جمله این‌که صلاحیت این دادگاه محدودتر شد با حذف رسیدگی به جرائمی همچون سوء قصد به مقامات سیاسی، غارت بیت‌المال، گران‌فروشی و... هرچند در برخی موارد نیز منجر به توسعه صلاحیت این دادگاه شد از جمله جرم توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری، جاسوسی به نفع اجانب، توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و... نهایتاً در سال ۱۳۹۲ و با تصویب ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری هرچند تحولات چشم‌گیری در خصوص صلاحیت این دادگاه رخ نداد. آنچه به‌وضوح مشخص است سعی مقنن و رویه قضائی در محدود کردن صلاحیت دادگاهی اختصاصی با عنوان انقلاب بوده است اما با توجه به این‌که مراجع قانونگذاری در کشور ما مختلف می‌باشد از مجلس شورای اسلامی گرفته تا مجمع تشخیص مصلحت نظام و گاهی حتی دولت باعث بروز تضادهایی در این مورد می‌شود؛ اما به‌طور کلی دادسرا و دادگاه انقلابی که امروزه در سیستم قضائی ایران وجود دارد را نمی‌توان دادگاه انقلاب در معنای خاص دانست که مربوط به انقلاب می‌باشد. در واقع پس از یکی شدن قواعد دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب از سال ۱۳۷۳ و ادغام دادسرای این دو دادگاه از سال ۱۳۸۱ هرچند این دادگاه ماهیتی اختصاصی دارد اما جلوه‌هایی از یک محکمه تخصصی به خود گرفت. همچنین می‌توان به موارد ذیل به‌عنوان یافته‌های این تحقیق اشاره کرد: با توجه به‌مرور سابقهٔ رویهٔ قضائی در ارتباط با دادگاه انقلاب و نقش این رویه در توسعهٔ صلاحیت این نهاد، به‌عنوان اولین یافته این تحقیق می‌توان بیان داشت که رویه قضائی بایستی تا حد امکان از توسعه صلاحیت این دادگاه اجتناب کرده و اصل حداقل و محدود بودن محکمه اختصاصی را رعایت کند. در پایان به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت جرائم تحت صلاحیت دادگاه انقلاب به‌ویژه این‌که عمده جرائمی که در صلاحیت این دادگاه قرار می‌گیرند امنیتی تلقی می‌شوند، استفاده از روش تعدد قاضی که از همان ابتدائاً در این دادگاه وجود داشت مناسب‌تر با فلسفه وجودی این دادگاه و دقت در صدور آرا شود.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ سی و نهم، میزان، تهران.
- جانی پور، علی (۱۳۹۳)، **دادگاه‌های کیفری اختصاصی تحلیلی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران**، شهر دانش، چاپ اول.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، شهر دانش، چاپ بیست و هفتم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۱)، **لغت‌نامه**، جلد سی و یکم، انتشارات دانشگاه تهران.
- شکاری، علی (۱۳۸۳)، **بررسی تحلیلی صلاحیت کیفری دادگاه انقلاب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- قدیری بهرام‌آبادی، رشید (۱۳۹۶)، **تقابل حق و مصلحت (با تأکید بر جرائم تروریستی)**، مجله حقوقی دادگستری، شماره نود و هشتم.
- کوشکی، غلامحسین، علیزاده سرشت، نادر (۱۳۹۴)، **نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۷)، **جرائم علیه امنیت کشور «بررسی فقهی و حقوقی محاربه و جرائم مشابه»** چاپ اول، انتشارات جنگل.
- گودرزی، جعفر (۱۳۸۱)، **دادرسی جرائم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران (قبل و بعد از انقلاب)**، **پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- مجیدی، سیدمحمود (۱۳۸۴)، **آیین دادرسی افتراقی ناظر بر جرائم علیه امنیت در سیاست کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)**، شماره ۲۸، زمستان.
- محمودی، نورالله (۱۳۸۸)، **مبانی و نظریات اساسی جرائم علیه امنیت ملی در سطح گسترده و راهبردها و راهکارهای پیشگیری، نشریه دادرسی**، فروردین، شماره ۷۳.
- موسوی فرد، سیدمحمدرضا و دیگران (۱۳۹۹)، **رویکردهای هرمنوتیکی از تفسیر جرم سیاسی در حقوق ایران و ... ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت**.

- موسوی فرد، سیدمحمدرضا (۱۴۰۰). امکان‌سنجی شناسایی مسئولیت کیفری سیاست‌گذاران (وهابی) و مجریان حقیقی دولت‌های حامی تروریسم با تأکید بر رویکردهای سیاسی و حقوقی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه. **فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، ۱۳ (۲).
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، **حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، میزان، تهران، چاپ سی و سوم.
- _____ (۱۳۹۶)، **حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه اموال و مالکیت**، میزان، چاپ پنجاه و یکم.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳-۱۳۸۴)، **تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، نیم‌سال تحصیلی دوره کارشناسی ارشد**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- _____ (۱۳۹۱)، **درباره امنیت‌شناسی؛ از حق بر امنیت تا حق بر تأمین**، دیباچه مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، سودابه رضوانی، میزان، چاپ اول.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۳)، **جرم سیاسی و تقسیم‌بندی حد و تعزیر، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره سوم، بهار.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۵)، **تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت**، **پژوهش حقوق کیفری**، شماره چهاردهم، بهار.
- _____ (۱۳۹۶) **پیشینه رویه قضائی در ایران در ارتباط با آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، تهران، چاپ دوم.